

## سخن ناشر

نسلی جدید به میدان آمده است و باید همه ما بپذیریم. بپذیریم که جوانانی دانشمند جای قدیمی‌ها را گرفته و خواهند گرفت. باید باور کنیم که نسل جدید نویسندگان، ایده‌های نو در نوشتار دارند و همچنین سبک نوشتاری خودشان را.

پختگی به این نیست که یک نفر سال‌ها عمر کرده باشد و به اعتبار سال‌های سپری شده، او را پخته بدانیم. پختگی به این است که بتواند به هنگام نوشتن خود را جای دانش‌آموز بگذارد و بی‌دریغ اندیشه‌های آموزشی‌اش را ارائه کند و مهم‌تر این که تلاش کند برای یاددهی مطالب طوری سلسله‌وار بنویسد که مطالب پله پله او را به اهداف آموزشی برساند.

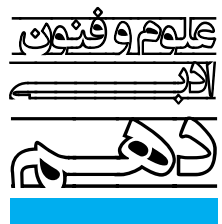
از طرفی دیگر نیز به همین موضوع نگاه کنیم. می‌دانید وقتی آدم‌ها سن‌شان می‌رود بالا، در آنها مقاومتی شکل می‌گیرد برای تغییر دادن روش‌هایشان. ما باید عادت کنیم. ما معلم‌ها که تجربه اندوخته‌ایم باید یاد بگیریم که در روش‌هایمان متناسب با شرایط تغییراتی ایجاد کنیم. مثلاً قرار نیست عروض را به همان شیوه‌ای تدریس کنیم که سال‌ها قبل انجام داده‌ایم اگر روش ارائه آن در کتاب درسی تغییر کرده است (که کرده است) باید باور کنیم که الزاماً روش‌های قدیمی ما را به اهداف جدید سوق نمی‌دهند. باید خانه‌تکانی کنیم روش‌هایمان را و بینش‌مان را.

از دیرباز عزیز درس ادبیات، تقاضا داریم که جوهر ادبیات را از یاد نبرند که ادبیات ادبیات به این است که امکان تغییر و دگردیسی را در آدم‌ها ایجاد کند و بیش از همه در خود ادیب.

از شما دانش‌آموزانی که این کتاب را مطالعه خواهید کرد می‌خواهم که تک تک بخش‌های کتاب را جدی بگیرید با تأکید بر این نکته که هیچ مطلبی در این کتاب را حفظ نکنید چرا که مؤلف تمام سعی خود را کرده است که مطالب را به صورت مفهومی و روشمند آموزش دهد.

مؤلف این کتاب، خانم سلیمی جوانی است پخته و باسواد و روشمند. با قدرت تغییرپذیری در روش‌ها. رو به آینده. و فردی که به اعتبار علاقه‌اش رشته اول کارشناسی و کارشناسی ارشدش را ادبیات انتخاب کرد.

کتابی که پیش رو دارید آنقدر کتاب خوبی شده است چه به لحاظ درسنامه و چه به لحاظ طراحی تست‌ها که احساس خوشایندی داریم که ناشر این کتاب هستیم.



#### فصل اول: کلیات

- درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی ..... ۸
- درس دوم: بررسی و طبقه‌بندی آثار ..... ۱۳
- درس سوم: کالبدشکافی متن ۱ (شعر) ..... ۱۷
- درس چهارم: کالبدشکافی متن ۲ (نثر) ..... ۲۱

#### فصل دوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

- درس پنجم: زبان و ادبیات پیش از اسلام ..... ۲۴
- درس ششم: شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی ..... ۲۷
- درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی، سبک خراسانی ..... ۳۱
- درس هشتم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم ..... ۳۶
- درس نهم: سبک و سبک‌شناسی، سبک عراقی ..... ۴۰

#### فصل سوم: موسیقی شعر

- درس دهم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی ..... ۴۳
- درس یازدهم: هماهنگی پاره‌های کلام ..... ۴۶
- درس دوازدهم: قافیه ..... ۴۹
- درس سیزدهم: وزن شعر فارسی ..... ۵۷

#### فصل چهارم: زیبایی‌شناسی (بديع لفظی)

- درس چهاردهم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی ..... ۶۳
- درس پانزدهم: سجع و انواع آن ..... ۶۸
- درس شانزدهم: موازنه و ترصیح ..... ۷۳
- درس هفدهم: جناس و انواع آن ..... ۷۸





### فصل اول

- درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم .. ۸۷
- درس دوم: پایه‌های آوایی ..... ۹۴
- درس سوم: تشبیه ..... ۹۹

### فصل دوم

- درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی) .. ۱۰۴
- درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱) ..... ۱۰۸
- درس ششم: مجاز ..... ۱۱۳

### فصل سوم

- درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم ..... ۱۱۶
- درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲) ..... ۱۱۹
- درس نهم: استعاره ..... ۱۲۳

### فصل چهارم

- درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی) ... ۱۲۹
- درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی ..... ۱۳۳
- درس دوازدهم: کنایه ..... ۱۳۷
- آزمون جامع دهم و یازدهم (۱) ..... ۱۴۱
- آزمون جامع دهم و یازدهم (۲) ..... ۱۴۴

\*\*\*

- تحلیل ابیات علوم و فنون ادبی (۱) از درجۀ قلمروها ..... ۱۴۷
- تحلیل ابیات علوم و فنون ادبی (۲) از درجۀ قلمروها ..... ۱۷۵
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای قلمروهای فنون ۱ و ۲ ..... ۱۹۷
- پاسخنامه تشریحی ..... ۲۰۶

### پیوست‌ها

- جدول ترتیبی تاریخ ادبیات ..... ۲۶۲
- جدول مقایسه‌ای سبک‌های ادبی ..... ۲۶۴



یکی از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و فوئش آهنگی آن می‌افزاید، «قافیه» است که موجب زیبایی شعر می‌شود.

کلمه «قافیه» را زیاد شنیده‌اید. هر بیته که می‌خوانید وزن، آهنگ و ریتم خاصی دارد. برخی کلمات هستند که در پایان بیت قرار می‌گیرند؛ یعنی در پایان هر مصرع کلماتی هستند که حروف مشترکی دارند و آهنگ خاصی را به خواننده القا می‌کنند و موجب گوشنوازی و ضرباهنگ موسیقایی بهتری می‌شوند. در ادبیات فارسی به این نوع از کلمات که حروف مشترک دارند و در پایان ابیات قرار می‌گیرند، «قافیه» می‌گوئیم. به این بیت نگاه کنید!

شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد / تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد

گفتیم قافیه در پایان مصرع قرار می‌گیرد و کلمات قافیه دارای «حروف مشترک» هستند. در این بیت می‌بینیم که هر مصرع با دو واژه پایانی «باشد» تمام می‌شود. یعنی باشد تکرار شده است. خب! چه می‌کنید؟ این دو را قافیه می‌گیرید؟! اگر این دو «باشد» را قافیه گرفتید، برگردید و سه خط اول را دوباره بخوانید. دوباره تکرار می‌کنم: قافیه کلماتی هستند که دارای «حروف مشترک» باشند. در این بیت «باشد» هرچند تکرار شده ولی با «باشد» در مصرع دوم هیچ حرف مشترکی ندارد و به همان معنای «است» یا «هست» آمده. این فعل را «ردیف» می‌گوئیم نه قافیه. برگردیم به بیت. یک کلمه قبل از «باشد» را نگاه کنید. «راز، باز» اینها قافیه هستند. کلماتی که آهنگ دارند (دقت کنید که شکل نوشتاری حروف قافیه هم باید مشابه و همسان باشد نه فقط آهنگ آن. مثلاً از نظر آوایی واژه «لذیذ» با «خیز» می‌تواند قافیه شود اما به دلیل اینکه شکل نوشتاری حروف قافیه یکی نیست، قافیه کردن آنها درست نیست)، در پایان بیت آمده‌اند و حروف مشترک هم دارند. پس ردیف در بیت بالا «باشد» و کلمات قافیه «دراز و باز» است.

مثالی دیگر:

به جهان فرم از آنم که جهان فرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

آسان‌ترین راه برای تشخیص قافیه این است که اول «ردیف» را مشخص کنید. «از اوست». ردیف، خب! این کلمه را خط بزنید و از آخر بیت به اول بیایید. «خرم» و «عالم» هم، آهنگ دارند و هم حروف مشترک. پس، خرم و عالم: قافیه و حروف قافیه: م است.

حالا سه تعریف را یاد بگیریم:

۱- ردیف: کلمه یا کلماتی که در انتهای بیت می‌آیند و از نظر لفظ و معنی عیناً تکرار می‌شوند.

۲- قافیه: واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آنها مشترک باشد و قبل از ردیف می‌آیند.

۳- حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی که در آخر واژه‌های قافیه می‌آید.

## #کشف\_الفنون

یک سؤال: آیا هر کلمه‌ای که از نظر ظاهری در آخر بیت تکرار شد را ردیف بگیریم؟

پاسخ: خیر.

- چرا؟

سؤال شما را با یک مثال جواب می‌دهم.

به بیت زیر دقت کنید:

«دوش از در میخانه کشیدند به دوشم / تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم»

دو کلمه «دوشم» از نظر ظاهری مانند هم هستند و در پایان بیت هم قرار گرفته‌اند اما معنای متفاوتی دارند. دوش اول به معنای عضوی از بدن و دوش دوم به معنی دیشب است. کلماتی را ردیف قرار می‌دهیم که هم از نظر ظاهر و هم از معنا مشابه هم باشند. در این بیت با «جناس تام» روبه‌رو هستیم که در دروس بعدی با آن آشنا خواهید شد. در اینجا دوشم کلمه قافیه و «وش» حروف قافیه است. (م جزء حروف اصلی نیست. برای تشخیص قافیه کلمه را بشکنید و حروف اصلی را استخراج کنید. به این م حروف الحاقی می‌گویند. چون جزء حروف اصلی نیست و به آن ملحق شده است که کتاب درسی، دانستن و رعایت آن را لازم ندانسته است.)

## قواعد قافیه



حروف مشترکی که در پایان کلمات قافیه قرار می‌گیرند، تابع دو قاعده هستند؛ یعنی دو جور می‌توانند باشند:

۱- هر یک از مصوت‌های / / / ، / و / به تنهایی اساس قافیه قرار می‌گیرند.

به بیت زیر توجه کنید:

سال‌ها دل طلب جام‌جام از ما می‌کرد / و آنچه نمود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد  
در این بیت «ما» و «تمنا» قافیه هستند و حرف مشترک آنها مصوت بلند / / است.  
یا در بیت زیر:

ای پیشم تو دل‌فریب و مآدو / کلمات قافیه: جادو، آهو / حروف قافیه: مصوت بلند «و» است.  
در پیشم تو فیره پیشم آهو

۲- قاعدهٔ دوم این است: گاهی یک مصوت با یک یا دو صامت پس از خود، قافیه قرا می‌گیرد. یعنی مصوت + صامت (+ صامت) به ابیات زیر دقت کنید:

کی شعر تر انگیزد خاطر که مزین باشد؟ / یک نکته از این معنی، گفتیم و همین باشد

کلمات قافیه: حزین، همین. حروف قافیه «ین» است که از مصوت + صامت تشکیل شده است. بنابراین حروف مشترک قافیهٔ این بیت در قاعدهٔ ۲ جای می‌گیرد. این الگوی قافیه در شعر فارسی رایج است.

کسی دانهٔ نیک مردی نکاشت / کزوه فرمن کام دل بر نداشت

کلمات قافیه: نکاشت، بر نداشت / حروف قافیه: «اشت» (مصوت + صامت + صامت)

نگو نام و صامدل و مق پرست / فط عارضش فوش‌تر از فط دست

کلمات قافیه: دست، پرست / حروف قافیه: «ست» (مصوت + صامت + صامت)

### نکته

گاهی شاعر برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، در درون مصراع‌ها قافیه می‌آورد که به آن «قافیهٔ درونی» می‌گویند. در این حالت هر مصراع را یک بیت فرض کنید.

به ابیات زیر دقت کنید:

ای یوسف خوش‌نام ما خوش می‌روی بر بام ما / ای در شکسته جام ما ای بر دریده دام ما

قافیهٔ درون مصراع: نام / بام / جام و دام

ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما / آتش زدی در عود ما نظاره کن در دود ما

قافیهٔ درون مصراع: مقصود / معبود / عود و دود

### نکته

گاهی شعر دارای دو قافیهٔ پایانی یا «ذوقافیتین» است که قافیهٔ اصلی باز در واژه‌های آخر مصراع‌هاست.

به ابیات زیر دقت کنید:

گزیبد از غنیمت، طرایف بسی / کز آن سان نبیند، طرایف کسی

قافیهٔ اول: طرایف، طرایف

قافیهٔ اصلی بیت: بسی، کسی

## قافیه در شعر نو

شاعر در شعر نو خود را اسیر قافیه نمی‌کند، قافیه در شعر نو محدودیت‌های شعر کهن را ندارد. بلکه معمولاً در هر مقطع از شعر دو یا چند مصراع قافیه‌دار وجود دارد.

**مثال:** به مثال زیر دقت کنید:

در بسته‌ام شب است

تاریک هم‌چه گور

با آن که دور از نه چنانم

او از من است دور.

فاموش می‌گذارم من با شبی چنین

هر لمظه‌ای چراغ

می‌کاهم‌اش ز روغن

تا در رهم نگیرد جز او کسی سراغ.

می‌بینید که اصلاً شبیه قافیه‌مندی اشعار کهن نیست.

### مثالی دیگر:

گریزان که گاهی چه کمیاب / در بارش نور نوشین نمود می‌نوازد / او می‌پرد چون دل پر سرود قناری / از شهر بند مصارعش فراتر / و می‌تپد چون پر

بیمناک کبوتر / تن، تشنگی از رقص لبریز / سر، چنگی از شوق سرشار / غم، دور و اندیشهٔ بیش و کم دور / هستی، همه لذت و شور

در این قطعه شعر «فراتر» و «کبوتر» قافیه هستند و همچنین «دور» و «شور» نیز هم قافیه هستند.



(سراسری ۹۷)

دل کباب و سینه شرحه شرحه‌اند  
چون گرفتیم او مرا تا خُلد بُرد  
که بگیر ای شیخ سوزن‌های حق  
تا که او را در بیایانی بیافت

(فارج از کشور ۹۶)

که مر او را اوفتادن طبع و خوست  
چه دراز و کوتاه آنجا که خداست  
مطلع گردند بر اسرارها  
تا نگردد جانست زین جرأت گرو

۴ ج - د

وین مرغ چه نام است که از سوی سبا خاست  
این هم از طالع شوریده ماست  
زین صفت نرگس سیراب تو بی خواب چراست  
همچو من خسته و نالنده و دل ریش چراست

۴ (فارسی، درسی) (خواست، خاست)

۱ (ندرت، صداقت) (درو، جو) ۲ (سلسله، قباله) (چشم، خشم) ۳ (تابع، شایع) (محو، سهم)

۲۸۸. طبق قواعد دوگانه قافیه، در کدام بیت قافیه متفاوت است؟

کز شوق توام دیده چه شب می‌گذراند  
ترسم از تنهایی احوالم به رسوایی کشد  
همه صید عقل گیرد، خم زلف چون کمندش  
به طاقتی که ندارم کدام بار کشم

۱ آن را که غمی چون غم من نیست چه داند  
۲ تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد  
۳ خجل است برو بستان، بر قامت بلندش  
۴ غم زمانه خورم با فراق یار کشم

۲۸۹. قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟

فراوان نشان است بر چهر تو  
بپیچید ز آن درد و پیکار اوی  
ز ترکان فرستاد نزدیک اوی  
یکی از لب دود برتر کشیم

۱ چنین داد پاسخ که از مهر تو  
۲ دل طوس غمگین شداز کار اوی  
۳ سپهدار پیران یکی چرب گوی  
۴ همه یک‌سره گرزها بر کشیم

۲۹۰. قافیه کدام بیت طبق قاعده ۲ نیست؟

رازهای کهنه گویم می‌شنو  
تو مرا بین که منم مفتاح راه  
هر چه می‌کاریش روزی بدروی  
مرگ و رنجوری و علت پاکشای

۱ با تو بی‌لب این زمان من نو به نو  
۲ تو مبین که بر درختی یا به چاه  
۳ جمله دانند این اگر تو نگروی  
۴ چار مرغند این عناصر بسته پای

(سراسری ۹۶)

۲۹۱. در کدام بیت، حروف قافیه طبق قاعده ۲ (مصوت، دو صامت) آمده است؟

خلق را رد می‌کنم از خود به عیب  
تا گل رنگین نبالد خوش نالند عندلیب  
خلاصه سخن است و ما بقی است حکایت  
تا راز دل ساغر چرا هر دم به لب می‌آورد

۱ چون ندارم من قبول و رشد غیب  
۲ جان نباید در نشاط آلا که بر بوی حبیب  
۳ هر آن حدیث که از عشق می‌کنند روایت  
۴ من خاک پای آن کم کو خون ساغر می‌خورد

۲۹۲. واژه‌های قافیه در کدام بیت طبق قاعده ۲ هم‌قافیه شده‌اند؟

گشت سر غوغای رسوایی از او  
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را  
لحن داودی ایشان جان‌فزای  
نقل می‌را بوسه‌ای در پی بداد

۱ شد ز فرط عشق سودایی از او  
۲ صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را  
۳ جمله موسیقار زن بلبل‌سرای  
۴ دخترش در حال جام می‌بداد

برای یادگیری این درس ابتدا مطمئن شوید که درس یازدهم را خوب یاد گرفته‌اید. اگر هنوز در تشخیص علامت هجاهای کوتاه، بلند و کشیده مشکل دارید، برگردید و آن درس را مجدد بخوانید و برای آموختن هجاها خوب تمرین کنید. از این درس به بعد به‌طور تخصصی‌تر وزن و موسیقی شعر را خواهید آموخت.

وزن شعر، نظمی است بر مبنای کمیت هجاها؛ یعنی بر پایهٔ چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است. (منظور از چینش هماهنگ هجاها همان کاری است که در درس یازدهم جهت نشان دادن تساوی دو مصراع انجام دادیم.) این وزن شعر را علم عروض به ما نشان می‌دهد. عروض، علمی است که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبهٔ نظری و علمی تعیین می‌کند. برای پیدا کردن وزن یک بیت مشخص کردن هجاهای «یک‌مصراع» نیز کفایت می‌کند. لازم نیست تمام هجاهای یک بیت را مشخص کنید چون واحد وزن در شعر فارسی و در بسیاری از زبان‌های دیگر «مصراع» است و همهٔ مصراع‌های یک شعر وزن یکسان دارند.

### مشخص کردن وزن شعر



برای پیدا کردن وزن یک شعر، نخست باید آن را درست بخوانیم. سپس همانطور که می‌خوانیم، بنویسیم. به این نوع نوشتن، «نوشتن با خط عروضی» می‌گویند. به بیت زیر توجه کنید:

هزارش صید پیش آید به فون فویش مستعجل

گر او سرینبه بگشاید که عاشق می‌کشم شاید

بیت فوق را اگر بخوایم با خط عروضی بنویسیم، این گونه می‌شود:

هزارش صید پیشاید ب فون فویش مُستعجل

گره سرینبِه بگشاید کِ عاشق می‌کشم شاید



#### به نکات زیر توجه کنید:

- ۱- اگر قبل از همزهٔ آغاز هجا، حرف صامتی بیاید، همزه را می‌توان حذف کرد؛ مثلاً: «پیش‌آمد» را «پیشامد» می‌خوانیم و همین‌گونه نیز می‌نویسیم.
- \* لازم است بدانید که در زبان فارسی، هیچ کلمه‌ای با مصوت آغاز نمی‌شود. اگر ابتدای کلمه‌ای مصوت دیدید، بدانید که قبل از آن «ه» (همزه) وجود دارد. حالا منظور از جملهٔ کتاب این است که اگر کلمه‌ای را به هجاهای سازندهٔ آن تقسیم کردید و در ابتدای هجای آغازین مصوت دیدید، آن همزه را حساب نکنید و تلفظش را باصامت قبلی ادغام کنید. «آمد» در اولین هجای خود مصوت «ا» را داراست. پس با صامت قبل از خود ادغام می‌شود: پیشامد.
- ۲- در خط عروضی باید مصوت‌های کوتاه نیز نوشته شوند. همچنین کلماتی مانند «تو» و «دو» به صورتی که تلفظ می‌شوند؛ «ت» و «ذ». معمولاً «و» عطف یا ربط به ویژه در شعر به صورت «و» تلفظ می‌گردد. مثل: گل و بلبل ← گلُ بلبل
- ۳- حروفی که تلفظ نمی‌شوند، در خط عروضی نیز حذف می‌شوند. مثال: خواهر ← خاهر / خواهش ← خواهش
- ۴- حروف مشدد را دوبار می‌نویسیم. مثل: سجاده ← سج/اجاد
- ۵- کلماتی که به «ه» ختم می‌شوند را به صورت «-» می‌نویسیم. مثل: پنجه ← پنج

**توجه:** برای اینکه بفهمید مصوت یک کلمه را درست گذاشته‌اید و تلفظ شما صحیح است یا نه، کلمه را با همان مصوت درون همان بیت معنی کنید. در اینجا اگر «می‌گشم» را «می‌کشم» بخوانید، معنا اشتباه می‌شود و از معنای اصلی و مورد نظر شاعر بسیار دور خواهید شد. به این نکات حتماً توجه کنید. روخوانی اشعار خارج از کتاب را در برنامهٔ خود قرار دهید. مثلاً شبی یک غزل از حافظ بخوانید. زیر کلماتی که ممکن است مصوت آن‌ها را اشتباه تلفظ کنید، خط بکشید و از دبیر خود یا کسی که می‌داند بپرسید.

### تقطیع هجایی



«تقطیع»: قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی. (با مفهوم رکن عروضی و تقطیع به ارکان در سال آینده آشنا خواهید شد.)

تقطیع هجایی: مشخص کردن هجاهای شعر (کوتاه، بلند و کشیده)

برای این کار می‌توان هجاهای شعر را با خطوط عمودی کوتاه از یکدیگر جدا کرد و علامت هر کدام را مشخص نمود.

## #کشف\_الفنون

فتنه برانگیخت دل، خون شهان ریخت دل با همه آمیخت دل، گرچه جدا می‌رود

فِت	ن	بَ	رَ	گیخت	دِل	خو	ن	شَ	ها	ریخت	دِل
-	U	U	-	U-	-	-	U	U	-	U-	-

نکات مهم:

- در تقطیع هجایی توجه کنید که به تعداد مصوّت‌ها هجا وجود دارد. همچنین هجای کشیده، به یک هجای بلند و یک هجای کوتاه (U-) تقسیم می‌شود.
- مصوّت‌های کوتاه در شمارش مانند دیگر حروف شمارش می‌شوند ولی هر مصوّت بلند از نظر کشش آوایی دو حرف به‌شمار می‌آید؛ پس مصوّت کوتاه در شمارش ← ۱ مصوّت بلند ← ۲
- مصوّت بلند پیش از «ن» (نون ساکن) کوتاه به حساب می‌آید. به عنوان مثال، «نان» یک هجای بلند (-) است. خب! این جمله کتاب نیاز به کمی تفسیر دارد. کمی "مبهم می‌زند". کتاب نگفته است تبدیل این مصوّت‌ها چگونه است. البته ندانستن آن هم فرقی نمی‌کند اما برای کسانی که بیشتر می‌خواهند بدانند بیان می‌کنم. اگر قبل از «ن» مصوّت بلند «ا» دیدید، آن را تبدیل به مصوّت کوتاه - کنید. اگر مصوّت بلند «ی» دیدید، آن را تبدیل به مصوّت کوتاه - کنید و اگر مصوّت بلند «و» دیدید، آن را تبدیل به مصوّت کوتاه - کنید.

ا ← جَن: جَن ای ← دین: دین او ← رهنمون: رهنمُن

اگر به‌خاطر سپردن آن برایتان دشوار است، پیشنهاد می‌کنم «ن» بعد از مصوت بلند را کلاً حذف کنید. مثلاً در کلمه «رهنمون» نون آخر به علت اینکه ساکن است و قبل از آن مصوت بلند آمده است، کوتاه تلفظ می‌شود. تقطیع آن با وقتی که «ن» را کلاً حذف کنیم هیچ تغییری نمی‌کند:

حذف «ن»			کوتاه گرفتن «ن»		
رَه	ن	مُن	رَه	ن	مُن
-	U	-	-	U	-

- در تقطیع هجایی یک بیت بهتر است هجاهای مصراع‌ها را زیر هم بیاوریم تا تطبیق دادن آن‌ها با یکدیگر آسان‌تر شود.
- هجای کوتاه را با علامت U / هجای بلند را با علامت - / هجای کشیده را با علامت U- نشان می‌دهیم.

اکنون هجاهای بیت زیر را با هم جدا کنیم:

چون موسم حج رسید، برخاست اشتر طلبید و محملاً آراست

قبل از تقسیم هجاها یکبار دیگر نکات مهم را مرور کنیم:

**الف)** شعر را درست بخوانیم (أشتر □ اشتر □ / مُحمل □ مُحمل □). هروقت نتوانستید مصوّت‌های کلمه‌ای را تشخیص دهید به معنای آن کلمه دقت کنید و ببینید آیا آن کلمه با آن مصوّت‌ها اصلاً در زبان فارسی وجود دارد یا نه؟ اگر هست به چه معناست؟ و آن معنا می‌تواند در بیت جای بگیرد یا نه؟ أَشتر یعنی شتر و اشتر یعنی کسی که پلک چشمش پاره شده باشد! (البته انتظار نداریم که دو معنی را بدانید. همین که بدانید کدام یک معنای صحیح را می‌رساند کفایت می‌کند). مُحمل اسم فاعل عربی است به معنای حمل‌کننده (حامل) و مُحمل یعنی کجاوه (اتاقکی که بر روی شتر می‌بستند و شخص در آن می‌نشست). پس أَشتر و مُحمل حذف می‌شوند.

**ب)** شعر را همانگونه که می‌خوانیم، می‌نویسیم:

چُن موسم حج رسید برخاست أَشتر طلبید مُحملاً آراست

**ج)** کلمات بیت را به هجاها تقسیم می‌کنیم و علامت هر هجا را زیر آن می‌نویسیم (مصوّت‌های بلند را دوبار بنویسیم که در شمارش دچار اشتباه نشویم):

چُن	مُو	سِ	مِ	حَج	رِ	سِی	دِ	بِر	خااست
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
أش	تُر	طَ	لَ	بِی ی	دُ	مَح	مِ	لا	رااست
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

در این بیت چرا هجای کشیده پایان مصراع را بلند حساب کردیم؟

«یک نکته بسیار مهم که همواره باید آن را آویزه گوشمان کنیم این است: هجای کشیده یا کوتاه پایان مصراع را همیشه بلند بگیریم. این یک اصل در عروض است و برای صحیح بودن وزن شعر ضروری است.»





۳۵۹. شکل هجایی مصراع «نقد امید عمر من در طلب وصال شد» در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

- ۱ -U-UUUU-U-U-UU- ۲ -U-U-U--U-U--U-U-  
۳ -U-U--U--U--U--U-- ۴ -U-UUUUU--U-U--U--U-

۳۶۰. شکل هجایی «-U---U---U---U-» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- ۱ غنچه‌سان تنگدل باغ توایم ۲ آن به که به نیک و بد بسازیم ۳ خویش را دیدم به راهی بس دراز ۴ منگر در هنر و عیب کسان  
۳۶۱. شکل هجایی مصراع دوم «عمرتان باد و مراد ای ساقیان بزم جم / گرچه جام ما نشد پر می به دوران شما» در کدام گزینه آمده است؟  
۱ -U-U--UU--UU--U-U- ۲ -U-U-U--UU--U-U- ۳ -UU--U--U--U-U- ۴ -U-UU--U-U-U-

۳۶۲. تقطیع هجایی بیت زیر با کدام یک از گزینه‌ها همسان است؟

- «ایمن ندانم و آن ندانم بهر چیست تا نگوئی آنکه می‌دانیم کیست»  
۱ روز بشناسم من او را بی‌گمان ۲ در سحرگاهان حذر کن چون بنالد این غریب  
۳ دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را ۴ من کجا و رخصت آن بزم، دانم جای خویش

۳۶۳. تقطیع هجایی کدام گزینه با مصراع اول بیت زیر یکسان است؟

- «سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند»  
۱ شادی مکن از زادن و شیون مکن از مرگ ۲ تا کی کنی پریشان دل‌های مبتلا را  
۳ هر کجا نامه عشق است نشان من و توست ۴ بوی تو می‌کشد مرا وقت سحر به بوستان

۳۶۴. تقطیع هجایی در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ دیوانه چون طغیان کند زنجیر و زندان بشکند <-U---U---U---U--  
۲ ای دوست شاد باش که شادی سزای توست <-U-U--U--U--  
۳ زمانه فرصت پروازم از قفس ندهد <UU-U-U--UU-U-U-  
۴ همه آفاق گرفته‌است صدای سخنم <--UU-UU--UU--UU-

۳۶۵. تقطیع همه گزینه‌ها مقابل آن درست است؛ به‌جز گزینه ..... .

- ۱ به لیلی داده زنجیرش که می‌کش <-U---U---U---  
۲ باید سخن از نشاط سازی <--U-U-UU--  
۳ ظهور جمله اشیا به ضد است <-U--U-U-U-  
۴ این نه از کم سخنی‌دان و نه از بی‌هنری <UU--UU--UU--U-

۳۶۶. تقطیع هجایی کدام بیت در مقابل آن درست نوشته شده است؟

- ۱ خفته در من دیگری آن دیگری را می‌شناس چون ترنجم بشکن آنگه آن پری را می‌شناس  
-U---U---U---U- -U---U---U---U-  
۲ ای که گفתי هیچ مشکل چون فراق یار نیست گر امید وصل باشد، همچنان دشوار نیست  
-U-U-U---U---U- -U---U---U---U-  
۳ نماند اندر چمن یک شاخ کان را نبوشاندند رنگین حله در بر  
--U---U--U-U- --U---U--U-U-  
۴ بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط ز بس که عارف و عامی به رقص برجستند  
-U-U---U--U-U- ----U--UU-U-U-

۳۶۷. مصراع اول بیت زیر، از نظر تقطیع هجایی با کدام گزینه همسان است؟

- «اگر کاری کنی مزدی ستانی چو بیکاری یقین بی‌مزد مانی»  
۱ سالی که نکوست از بهارش پیداست ۲ مرا از توست هردم تازه عشقی  
۳ تنش درست و دلش شاد باد و خاطر خوش ۴ قرار برده ز من آن دو نرگس رعنا

۳۶۸. تقطیع هجایی کدام گزینه با بیت «آینه ار نقش تو بنمود راست / خودشکن آینه شکستن خطاست» یکسان است؟

- ۱ چرخ گوش تو بیچاند اگر سر پیچی ۲ عشق تو بر بود ز من مایه مائی و منی  
۳ ما بی‌خور و خوابیم و جهان مطبخ ماست ۴ روح چو بازی است که پُرآن شود

۳۶۹. کدام گزینه تقطیع هجایی یکسان با بیت زیر ندارد؟

- «شرمنده نیستی که به این دستگاه حسن دل می‌بری ز مردم و انکار می‌کنی؟»  
۱ شد سبز و خوشه کرد و به خرمن کشید ۲ زین بیشتر چگونه کند سعی دانه‌ای  
۳ شبنم به آفتاب رسید از فتادگی ۳ بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن  
۴ آن زاهد خشکم که در ایام بهاران ۳ در زیر گل از سبحة صد دانه خویشم  
۴ کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را ۴ کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

"فلانی به من طعنه و کنایه زد." وقتی کسی این جمله را به ما بگوید، می‌فهمیم که شخصی با جمله‌ای خواسته است منظور اصلی خودش را به دیگری بفهماند اما به دلایلی آن منظور اصلی خود را نگفته است. مثلاً «به در گفته است تا دیوار هم بشنود.» وقتی بخواهیم با بیان یک جمله یا کلمه منظور دیگری را به مخاطب برسانیم «کنایه» شکل می‌گیرد. مثلاً جمله اول را در **شکلهای اجتماعی به وضوح می‌بینیم**. **اضراری که در «Story» خور جمله‌های را به‌کار می‌برند که مفهوم را تکرار در آن نهفته است!** به این بیت زیبا از فردوسی بزرگ دقت کنید.

هنوز از دهن بوی شیر آیدش همی رای شمشیر و تیر آیدش

بیت را معنی کنید. حدس می‌زنم معنای شما این است: هنوز از دهانش بوی شیر می‌آید، به فکر شمشیر و تیر است. خب! این مصراع اول دقیقاً همین معنی ظاهری را دارد؟ کمی بیشتر تلاش کنید. «از دهن کسی بوی شیر آمدن» نشانه چیست؟ یعنی شیر خورده است؟ خیر! یعنی او هنوز کودک است. سن و سالی ندارد. به این نوع از کاربرد اصطلاحات که در آن نشانه چیزی بیان می‌شود اما خود آن چیز مورد نظر است، «کنایه» می‌گوییم. کنایه در لغت یعنی «پوشیده» سخن گفتن. در کنایه هم معنای نزدیک و هم معنای دور عبارت با هم به ذهن‌خطور می‌کنند اما مقصود نویسنده همان معنای دور عبارت است.

#### چند نمونه کنایه:

دامن از فاک برچیدن ← کنایه از بی‌توجهی به مادیات و دنیا

از پا افتادن ← کنایه از ناتوان شدن

پشت دست را داغ کردن ← کنایه از پشیمان شدن و عبرت گرفتن

عنان را گرد کردن ← کنایه از آماده شدن برای جنگ

زد روی بودن ← کنایه از شرم‌منده بودن

#### تفاوت کنایه و مجاز:

- ۱- در مجاز، با «واژه» در ارتباط هستیم اما در کنایه، با «عبارت و جمله».
- ۲- در مجاز، کلمات در معنای غیر حقیقی استفاده می‌شوند اما در کنایه، کلمات در معنای حقیقی هستند و فقط معنایی که برداشت می‌شود، به صورت کنایی و دور است.

مجاز:

سر آن ندارد که امشب برآید آفتابی چه فیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد فوایی

کنایه:

چه نام‌رده آواز م‌رده شنید میان فطر جای بودن ندید

ملاحظه می‌کنید که مجاز در یک کلمه رخ می‌دهد اما کنایه مربوط به عبارات است.

#### تفاوت استعاره و کنایه:

در استعاره نیز با واژه در ارتباط هستیم اما در کنایه، با عبارت و جمله.

استعاره:

بئی داره که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد بهار عارضش فطی به فون ارغوان دارد

#### #کشف‌الفنون

کنایات پرتکرار در آزمون‌های سراسری و آزمایشی:

چانه زدن، آستین کسی را گرفتن ← یعنی: اصرار ورزیدن

مثال گروهی همنشین من خلاف عقل و دین من دست از مس وجود چو مردان ره بشووی

بگیرند آستین من که دست از دامنش بگسل تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

دست از چیزی شستن، دامن از خاک برچیدن، دست از دامن داشتن، دامن از کسی کشیدن ← یعنی: رها کردن، ترک کردن؛

چو بشنید بیچاره بگریست زار

که ای خواجه دستم ز دامن بدار

## #ادامه کشف\_الفنون

چین بر جبین فکندن، به سر کوفتن، سنگ در دندان آمدن ← یعنی: ناراحت بودن

هر کاری کنی نتیجه‌اش را می‌بینی

**مثال** نیندارم ای در خزان کشته جو  
از مکافات عمل غافل مشو  
همینت بسنده است اگر بشنوی  
که گندم ستانی به وقت درو  
گندم از گندم بروید جو ز جو  
که گر خار کاری سمن ندروی

سماق مکیدن، در انتظار غبار بی‌سوار نشستن، زیر پا علف سبز شدن ← یعنی: انتظار بیهوده کشیدن

مرغ درون آتش، ماهی برون آب ← یعنی: بی‌قرار بودن

آب بر آتش زدن، باد را شکستن ← یعنی: از بین بردن

گل از خار برآمدن، خار از پا برآمدن، پا از گل برآمدن ← یعنی: به آسایش و راحتی رسیدن

**مثال** گرم بازآمدی محبوب سیم‌اندام سنگین‌دل  
گل از خارم برآوردی و خار از پا و پا از گل

محیط به کفچه پیمودن، البرز به کلند برگرفتن ← یعنی: کار بیهوده کردن

انگشت گزیدن، دست خاییدن ← یعنی: پشیمانی و افسوس

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### درس ۱۲

۸۲۹. عبارت مشخص شده در کدام یک از گزینه‌های داده شده دارای دو معنای دور و نزدیک است؟

- ۱ عشق و مستوری نباشد پای گو در دامن
  - ۲ کهن شود همه کس را به روزگار ارادت
  - ۳ غلام قامت آن لعبت قباپوشم
  - ۴ الا ای کاروان! محمل برانید
- کز گریبان ملامت سربر آوردن نیارد (پای در دامن آوردن)  
مگر مرا که همان عشق اول است و زیادت (ارادت کهن شدن)  
که در محبت رویش هزار جامه قباست (لعبت قباپوش)  
که ما را بند بر پای رحیل است (ای کاروان محمل برانید)

۸۳۰. در کدام یک از گزینه‌های داده شده «مجاز بر مبنای اصل مجاورت» به کار رفته است؟

- ۱ غرور حسنت اجازت مگر نداد ای گل
  - ۲ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
  - ۳ گرم به گوشه چشمی شکسته‌وار ببینی
  - ۴ نه هر که چشم و گوش و دهان دارد آدمی
- که پرسشی نکنی عندلیب شیدا را  
با دوستان مروت با دشمنان مدارا  
فلک شوم به بزرگی و مشتری به سعادت  
بس دیو را که صورت فرزند آدم است

۸۳۱. در همه گزینه‌های داده شده قسمت مشخص شده در معنی غیرحقیقی خود به کار رفته است؛ به جز گزینه ..... .

- ۱ برسان بندگی دختر رز گو به در آی
  - ۲ در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو
  - ۳ صاحب‌دلی نماند در این فصل نوبهار
  - ۴ به خدا که پرده از روی چو آتش برافکن
- که دم و همت ما کرد به ز بند آزادت (دم ما)  
به هواداری آن عارض و قامت برخاست (چمن)  
آلا که عاشق گل و مجروح خار اوست (گل و خار او)  
که به اتفاق بینی دل عالمی سپندت (پرده برافکندن)

۸۳۲. در کدام یک از ابیات زیر آرایه «کنایه» به کار رفته است؟

- ۱ هنوز با همه بدعهدیت دعا گویم
  - ۲ عزیز مصر چمن شد جمال یوسف گل
  - ۳ برگ درختان سبز پیش خداوند هوش
  - ۴ غلام آن سر و پایم که از لطافت و حسن
- بیا و گر همه دشنام می‌دهی شاید  
صبا به شهر درآورد بوی پیره‌نش  
هر ورقی دفتری است معرفت کردگار  
به سر سزاست که پیشش به پای برخیزند

۸۳۳. در کدام گزینه «کنایه» مشهود است؟

- ۱ جزای آنکه نغفتم شکر روز وصال
  - ۲ من بودم و او نی قلم اندر سر من کش
  - ۳ قیام خواستمت کرد عقل می‌گوید
  - ۴ گو خلق بدانند که من عاشق و مستم
- شب فراق نغفتم لاجرم ز خیال  
با او نتوان گفتم وجود دگری بود  
مکن که شرط ادب نیست پیش سرو قیام  
آوازه درست است که من توبه شکستم

۸۳۴. تعیین کنید که در کدام گزینه آرایه «کنایه» به کار رفته است؟

- ۱ بتی دارم که چین ابروانش
  - ۲ انگشت‌نمای خلق بودن
  - ۳ من از دست کمان‌دران ابرو
  - ۴ محتسب کو تا ببیند روی دوست
- حکایت می‌کند بتخانه چین  
زشت است ولیک با تو زیباست  
نمی‌بارم گذر کردن به هر سو  
همچو محرابی و من چون عابدی

۸۷۷. کدام یک از ابیات داده شده از تکرار رکن «مفتعلن مفاعلن» سروده شده است؟

- ۱ هر کاو بصری دارد با او نظری دارد
- ۲ پیر شدم از غمش لیک چو تبریز را
- ۳ سرمست شد نگارم بنگر به نرگسانش
- ۴ جان و جهان چو روی تو در دو جهان کجا بود

۸۷۸. در کدام گزینه مصراع‌های متقابل هم‌وزن نیستند؟

- ۱ الف: جان و تنم یخست او شیشه من شکست او
- ۲ الف: رفت وصالش به روح جسم نکرد التفات
- ۳ الف: گر دست رسد خواجو برخیز چو سرمستان
- ۴ الف: آینه‌ام آینه‌ام مرد مقالات نهام

- ب: لطف بهار بشکند رنج خمار باغ را  
ب: آنچه نبردست وهم عقل ندیده است و فهم  
ب: آنکو خبری دارد در بی خبری کوشد  
ب: نقشی بدید آخر که او بر نقش‌ها عاشق نشد

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای جامع دوم



### تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

۸۷۹. کدام جمله از نظر تاریخ ادبیات فارسی نادرست است؟

- ۱ نثر تاریخی سبک عراقی ساده، فصیح و بلیغ است.
  - ۲ شاهان گورکانی هند همگی به زبان فارسی سخن می‌گفتند.
  - ۳ دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر زبان عربی بود.
  - ۴ در جریانی که بابافغانی شیرازی در شعر دوره تیموری پی گرفت هیچ نوآوری نسبت به دوران گذشته وجود نداشت.
۸۸۰. آثار «ظفرنامه شامی، بابرنامه، شاهنامه ابومنصوری، کشف‌المحجوب» به ترتیب مربوط به کدام دوره یا سبک ادبیات فارسی هستند؟

- ۱ دوره سبک عراقی، دوره سبک عراقی، دوره سامانی، دوره غزنوی و سلجوقی
- ۲ دوره سامانی، دوره مغول، دوره سبک عراقی، دوره سبک هندی
- ۳ دوره غزنوی و سلجوقی، دوره باستان، دوره سامانی، دوره سبک هندی
- ۴ دوره غزنوی و سلجوقی، دوره سامانی، دوره سبک هندی، دوره سبک عراقی

۸۸۱. در کدام گزینه جمله‌ای نادرست درباره زبان فارسی آمده است؟

- ۱ نخستین‌بار در دوره صفاریان زبان فارسی به عنوان زبان رسمی انتخاب شد.
- ۲ در زبان درباری ساسانیان، زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی بوده است.
- ۳ در زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند زبان فارسی رسمی آن دیار بود.
- ۴ بعد از حافظ شرایط تاریخی ایران به گونه‌ای پیش رفت که به رکود رشد زبان فارسی انجامید.

۸۸۲. کدام یک از گزینه‌های داده شده از نظر «فصاحت» ایراد دارد؟

- ۱ به حکم نیاکان او بازارگردم
  - ۲ ای برادر عشق سودایی خوش است
  - ۳ دلم ز پاس نفس تار می‌شود چه کنم
  - ۴ دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد
- سیاوخش وار اندر آیم به آذر  
دوزخ اندر عاشقی جایی خوش است  
وگر نفس کشم افگار می‌شود چه کنم  
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه توست

۸۸۳. با توجه به تعریف بلاغت تعیین کنید که کدام گزینه می‌تواند سخن را از بلاغت دور کند؟

- ۱ تهدید یک کودک بازیگوش: چنانست بگویم به گرز گران!
- ۲ خطاب به مادر در روز زن: خیلی مرسی که به دنیا اومدی مامانی!
- ۳ صحبت با یک دوست قدیمی در فضای مجازی: به امید دیدار روی مثل ماهت رفیق!
- ۴ تقدیر از استاد: چراغی که در دلم سوسو می‌زند شما برافراخته‌اید. هیچ واژه ستایشگری را نمی‌شناسم که بتواند وزن محبت بیکران شما را به دوش بکشد!

۸۸۴. با توجه به ویژگی‌های سبک شعر عراقی تعیین کنید که کدام گزینه به این سبک سروده نشده است؟

- ۱ بزد خویشتن را بدان رزمجوی
  - ۲ وصف او فانی شد و ذاتش بقا
  - ۳ گنج عزلت که طلسمات عجایب دارد
  - ۴ چشم تو خود عین سواد سحر است
- سپهدار سوی وی آورد روی  
زین سپس مه کم شود نه بدلقا  
فتح آن در نظر رحمت درویشان است  
لیکن این هست که این نسخه سقیم افتاده است

## تحلیل ابیات علوم و فنون «۱۰» از درجهٔ قلمروها

### ستایش

- ای بی‌نشان محض نشان از که جویمت گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت (عطار نیشابوری، دیوان اشعار)
- ویژگی کلی: سبک غزل: عراقی/ عرفانی است. فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی/ رواج قالب غزل در سبک عراقی. خوش آهنگ شدن اوزان.
  - قلمرو زبانی: محض: ناب (ورود لغات عربی)/ از میان رفتن لغات مهجور فارسی.
  - قلمرو ادبی: نشان و جهان: جناس/ در و هر: جناس.
  - قلمرو فکری: ای آن کسی که هیچ نشانه‌ای نداری (خدا) از چه کسی نشانهٔ شناخت تو را جست‌وجو کنم؟ هر دو جهان در ذات تو محو شده است؛ پس تو را نزد چه کسی جست‌وجو کنم در حالی که همگی خود در تو گم گشته‌اند.

- تو گم نه‌ای و گمشدهٔ تو منم و لیک نیافت یافت می‌توانم از که جویمت
- قلمرو زبانی: نیافت: آن چیزی که هرگز پیدا نمی‌شود.
  - قلمرو ادبی: نیافت و یافت: جناس اشتقاق.
  - قلمرو فکری: در واقع این تو نیستی که گم گشته‌ای، بلکه من در به‌دنبال تو گشتن گم شده‌ام. چیزی که قابل یافتن نباشد را نمی‌توان پیدا کرد؛ پس چگونه پیدایت کنم؟

- پیدا بسی بجستم اما نیافتم اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت
- قلمرو ادبی: پیدا و نهان: تضاد.
  - قلمرو فکری: آشکارا بسیار به دنبال تو گشتم اما باز تو را پیدا نکردم، حالا به من بگو که تو را از چه کسی در خفا و پنهان جست‌وجو کنم؟

- چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود ای برتر از یقین و گمان از که جویمت؟
- قلمرو زبانی: گمان: پندار و ظن
  - قلمرو ادبی: یقین و گمان رفتن: جان‌بخشی
  - قلمرو فکری: ای خدا از آن‌جا که برای یافتن تو اجباراً از یقین و حدس و گمان استفاده می‌کنیم و تو بالاتر از حدس و گمان و یقینی؛ پس بگو چگونه از کسی تو را جست‌وجو کنم؟

- در جست‌وجوی تو دلم از پرده اوفتاد ای در درون پردهٔ جان از که جویمت
- قلمرو ادبی: از پرده افتادن: کنایه از عاشق شدن/ پردهٔ جان: اضافهٔ تشبیهی
  - قلمرو فکری: در راه جست‌وجو کردن تو دلم بی‌خود گشت و عاشق شد. ای کسی که در درون قلب عاشقان پنهان هستی تو را نزد چه کسی جست‌وجو کنم؟

- عطار اگر چه یافت به عین یقین تو را ای بس عیان به عین عیان از که جویمت؟
- قلمرو زبانی: افزایش واژگان عربی: عین (در مصراع اول): چشم/ عین (در مصراع دوم): ذات و نفس هر چیز
  - قلمرو ادبی: عین و عیان: جناس/ عیان و عیان: تکرار/ عین یقین: جان‌بخشی/ عین و عین: جناس تام
  - قلمرو فکری: اگر چه عطار (خود شاعر) تو را به چشم یقین پیدا کرد؛ اما ای کسی که از فرط آشکاری و پیدا بودن، ناپیدا هستی، بگو که تو را از چه کسی بجویم؟

### درس اول

- چون که با کودک سر و کسارت فتاد هم زبان کودکی بایسد گشاد (مولوی)
- ویژگی کلی: منظومهٔ عرفانی/ بند و اندرزی/ رواج مثنوی سرایی در قرن هفتم
  - قلمرو ادبی: سر و کار افتادن با کسی: کنایه از مشغول بودن با کسی
  - قلمرو فکری: وقتی که مجبوری با کودکان کار کنی، پس لازم است که مانند کودکان شوی تا بتوانی با آنها ارتباط برقرار کنی.

### درس دوم

- خیزید و خیز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است
- ویژگی کلی: سبک خراسانی دورهٔ غزنوی. توصیف طبیعت. ساده، محسوس و عینی.
  - قلمرو زبانی: استفاده از واژگان کهنه. سادگی زبان شعر. کمی واژگان عربی، خز: ابریشم/ خزان: پاییز/ خوارزم: شهری در پایین رود جیحون
  - قلمرو ادبی: قالب مسمط. قافیه و ردیف ساده/ واج‌آرایی حرف «خ»، «ز»/ خیز و خز: جناس/ خزان و وزان: جناس
  - قلمرو فکری: برخیزید و بروید جامه‌های ابریشمی بیاورید، زیرا که فصل پاییز است و باد سرد از جانب شهر خوارزم در حال وزیدن است.

- آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است گویی به مثل پیرهن رنگ رزان است
- قلمرو ادبی: کاربرد آرایه‌های ادبی در حد معمول و طبیعی/ تشبیه: برگ‌رزان: مشبه، پیرهن رنگ‌رزان: مشبه‌به. نوع تشبیه حسی/ قافیه و ردیف ساده/ رزان و رزان: جناس تام/ واج‌آرایی حرف «ز»، «ر»/ رزان و رزان: تکرار/ مراعات‌النظیر: برگ، رزان، شاخ
  - قلمرو فکری: به آن برگ درخت انگور که بر شاخهٔ درخت انگور است نگاه کن که به مانند پیراهن رنگ‌سازان رنگارنگ است. (توصیف طبیعی. واقع‌گرا. ساده، محسوس و عینی)

## تحلیل ابیات علوم و فنون «۲» از درجۀ قلمروها

### ستایش - «الهی»

الهی شعله شوقم فزون ساز  
الهی ذره‌ای آگاه‌می‌ام بخشش  
ز دانشش گوهر پاکم برافروز  
عطا کن جذبه شوق بلندی  
خرد را چاشنی بخشش از کلامم  
دلم را چشمه نور یقین ساز

مرا آتشش کن و در عالم انداز  
رهم بنما و بر گمراهی‌ام بخشش  
چراغ چشمم ادراکم برافروز  
که نه دامی به ره ماند نه بندی  
زبان را چرب و شیرین کن به گامم  
در این تاریکی‌ام باریک‌بین ساز

(معمّر طالب آملی)

۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> شعله: شرار آتش / شوق: میل</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> شعله شوق: اضافه تشبیهی</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> خدایا شوق و عشق مرا افزون کن و مرا تبدیل به آتش کن و در عالم بینداز تا همه را عاشق</li> </ul>	۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> جذبه: کشش حق</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> کشش شوق خودت را به من بده که اسیر دام و بند تعلقات نشوم.</li> </ul>
۲	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> ذره: اجسام ریز در هوا که به هنگام تابش نور دیده شوند.</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> واج آرایی حرف «ه»</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> خدایا به من یک مقدار آگاهی بده گمراهی‌ام را ببخش.</li> </ul>	۵	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> چاشنی: مقداری از غذا که بچشند.</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> چاشنی و چرب و شیرین: مراعات‌النظیر / «از کلام به خرد دادن» کنایه از «کم کردن پرحرفی و زیاد کردن خرد».</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> خرد و گفتارم را هماهنگ کن و زبان و گفتارم را شیرین بیان کن.</li> </ul>
۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> ادراک: درک و دریافت حق</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> چراغ چشم: اضافه تشبیهی / واج آرایی حرف «ی»</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> از دانش گوهر پاک مرا پر کن و درک و دریافت حقایق را به من ارزانی دار.</li> </ul>	۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> باریک بین: تیزبین، حقیقت‌بین</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> چشمه نور کردن دل: کنایه از دادن معرفت بسیار</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> دلم را از نور یقین پر کن و کاری کن که در این دنیای تاریک حقیقت را تشخیص دهم.</li> </ul>

### درس اول

کس نیست تا بر وطن خود گرید	بر حال تپاه مردم بد گرید	(کمال‌الدین اسماعیل)
<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> تپاه: خراب</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> رباعی / ردیف فعلی / بر و بد: جناس ناقص اختلافی</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> کسی وجود ندارد که برای مردم یا وطن خود گریه کند.</li> </ul>	دی بر سر مرده‌ای دوصد شیون بود	امروز یکی نیست که بر صد گرید
<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> شیون: زاری / دی: دیروز</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> «بود و نیست»: تضاد</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> تا دیروز برای یک نفر، افراد بسیاری گریه می‌کردند اما الان برای صد نفر هم یکی پیدا نمی‌شود که گریه کند.</li> </ul>	مرد آزاده در میان گروه	گرچه خوش‌خو و عاقل و داناست

(ابن یمن)

۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> افزایش واژگان عربی / خوش‌خو: خوش اخلاق</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> قالب قطعه</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> انسان آزاده هرچند که خوش اخلاق دانا است.</li> </ul>	مرد آزاده در میان گروه محترم آنگهی می‌تواند بود وان که محتاج خلق شد، خوار است	گرچه در علم بوعلی سیناست
۲	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> استغنا: بی‌نیاز</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> زمانی می‌تواند احترام خودش را نگه دارد که از دیگران بی‌نیازی مالی داشته باشد.</li> </ul>	مرد آزاده در میان گروه محترم آنگهی می‌تواند بود وان که محتاج خلق شد، خوار است	گرچه در علم بوعلی سیناست
۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>• <b>قلمرو زبانی:</b> محتاج: نیازمند / خوار: بی‌ارزش</li> <li>• <b>قلمرو ادبی:</b> علم و علی: جناس ناقص اختلافی</li> <li>• <b>قلمرو فکری:</b> کسی که نیازمند مردم شود، خوار و بی‌ارزش می‌شود حتی اگر دانش بوعلی را داشته باشد.</li> </ul>	مرد آزاده در میان گروه محترم آنگهی می‌تواند بود وان که محتاج خلق شد، خوار است	گرچه در علم بوعلی سیناست



۹۹۹. کدام گزینه در مورد شعر زیر صحیح نیست؟

«بسی تیر و مرداد و اردیبهشت / برآید که ما خاک باشیم و خشت»

- ۱ خشت بودن: مجاز از مردن.  
۲ برآمدن تیر و مرداد و اردیبهشت: کنایه از گذر زمان.  
۳ بیت آرایه تناسب دارد.  
۴ مفهوم اساسی آن اغتنام فرصت است.

۹۰۰. کدام بیت به مفهوم «یاران موافق» دلالت دارد؟

- ۱ در حقیقت یار یکدل کیمیاست  
۲ در صحبت خلق جز پریشانی نیست  
۳ پیاموزمست کیمیای سعادت  
۴ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
- چون صدف کیمیاب و چون در پربهاست  
کنجی بنشین و جز فراغت مطلب  
ز هم صحبت بد جدایی جدایی  
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

۹۰۱. مفهوم محوری بیت زیر چیست؟

«برو شادی کن ای یار دل‌افروز / غم فردا نشاید خورد امروز»

- ۱ پرداختن به شادی.  
۲ غنیمت دانستن وقت.  
۳ پرداختن به هر کاری در زمان خودش.  
۴ دوری از غم.

۹۰۲. معنی کدام لغت غلط است؟

- ۱ محمل: هودج  
۲ درزی: بافنده  
۳ فر: شکوه  
۴ ایوان: کاخ

۹۰۳. کدام گزینه بر بخشش دلالت دارد؟

- ۱ چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن  
۲ ای دل تو در این روز فراغت مطلب  
۳ خرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست  
۴ هر که آمد عمارتی نو ساخت
- که می‌خوانند ملاحان سرودی  
وز مردم این زمانه راحت مطلب  
جبهه‌ای واکرده‌ای پیوسته چون گل بایش  
رفت و منزل به دیگری پرداخت

۹۰۴. کدام گزینه از نوع ادبی فابل است؟

- ۱ گل سوری به دست باد بهار  
۲ دست عقل از سخن به نیرو شد  
۳ آب جیحون از نشاط روی دوست  
۴ به دام افتاد روباهی سحرگاه
- سوی باده همی دهد پیغام  
چشم عقل خورشید بین ز ابرو شد  
خنک ما را تا میان آید همی  
به روبه‌بازی اندیشید در راه

۹۰۵. اطلاعات مقابل کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ کانچنان ماهی نهان شد زیر میغ ( ماهی از صور فلکی است)  
۲ با من بودی منت نمی‌دانستم (دانستن در معنی شناختن است)  
۳ سر ارادت ما و آستان حضرت دوست (بیانگر ارادت نسبت به یار است)  
۴ حبیب خدای جهان‌آفرین ( حبیب لقب حضرت علی است)

۹۰۶. کدام گزینه تناقض ندارد؟

- ۱ از تهی سرشار / جویبار لحظه‌ها جاریست.  
۲ از ننگ چه پرسى که مرا نام ز ننگ است  
۳ گر اظهار پشیمانی کند بد عهد مشو ایمن  
۴ بی‌عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار
- وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام است  
که بد عهد از پشیمانی پشیمان زود می‌گردد  
روز فراق را که نهد در شمار عمر

۹۰۷. درباره بیت زیر کدام گزینه صحیح نیست؟

«خروشید کای فرخ اسفندیار / هماوردت آمد بر آرای کار»

- ۱ واج آرای «آ» دارد.  
۲ سبک خراسانی است.  
۳ قالب قطعه است.  
۴ واژگان کهن دارد.

۹۰۸. کدام گزاره درباره بیت زیر صحیح نیست؟

«گفت که سرمست نه‌ای رو که از این دست نه‌ای / رفتم و سرمست شدم و از طرب آکنده شدم»

- ۱ پیچیدگی کلام دارد.  
۲ مست و دست جناس دارند.  
۳ لغت کهن: آکنده: پر  
۴ از این دست نه‌ای به معنای اهل این دنیا نبودن است.

پاسخنامه درس ۱۰ علوم و فنون ۱

طول یک شعر کامل به راحتی می‌توان این لحن‌های شبیه به هم را جدا کرد.

**۲۵۱. گزینه ۳** ریتیم و آهنگ این بیت کئدتر از بقیه ابیات است. اشعاری که در وصف شور عشق عرفانی هستند، از نظر آهنگ تند و شاد و ضربی هستند.

**۲۵۲. گزینه ۲** لحن عرفانی با آهنگی تند و ضربی و شاد و شورانگیز همراه است و از خشونت و سختی به دور است و برای بیان مفاهیم عارفانه، سرمستی و خوش باشی الهی، عشق آسمانی، راه سیر و سلوک و ملزومات آن به کار می‌رود. گزینه ۱: در وصف نام خداست اما لطافت و شور عارفانه ندارد. گزینه ۲: مضمون خوش باشی دارد؛ اما نه حدّ مفاهیم بلند عرفانی و همینطور آهنگ شاد و شورانگیز ندارد. گزینه ۳: لحن آن جدّی است و بیان تعلیمی دارد.

**۲۵۳. گزینه ۱** لحن حماسی، تند و شورانگیز و پرقدرد است. بیت گزینه ۱ با لحنی آهسته و پندآموز خوانده می‌شود. در گزینه ۴ مفهومی عاشقانه بیان می‌شود؛ اما لحن آن حماسی است؛ چون تند و شورانگیز است و خبری از لطافت و پراحساس بودن لحن عاشقانه در آن نیست.

**۲۵۴. گزینه ۲** در این بیت شاعر امیدوار است که کسی بیاید و شهر شبزده را روشن کند؛ اما در گزینه‌های دیگر فضای عاطفی حاکم بر شعر کاملاً ناامید است.

**۲۵۵. گزینه ۱** هر شعری دارای نظم مشخصی در کنار هم قرار گرفتن کلمات است که در تمام ابیات آن رعایت می‌شود و این به شعر آهنگ و ریتیم می‌بخشد. وقتی شعر را با لحن درستی بخوانید، آهنگ آن را نیز تشخیص خواهید داد. برای پاسخ دادن به چنین سؤالی ابتدا باید بیت سؤال را درست بخوانید، بعد در گزینه‌های پاسخ دنبال بیتی باشید که در هم‌آهنگی با بیت سؤال طوری باشد که گویی یکی از ابیات همین شعر است و از آن جدا نیست. هر چند آشنایی با علم عروض روش‌های فنی حلّ این گونه سؤالات را به شما خواهد آموخت؛ اما بهتر است آهنگ را سمعی (با گوش) یاد بگیرید تا حلّ این سؤالات برایتان آسان تر شود.

**۲۵۶. گزینه ۲** فضای عاطفی حاکم بر بیت سؤال «عشق محض و بی‌چون و چرا» است؛ اما در بیت گزینه ۴ نوعی «گله و شکوه از بی‌توجهی معشوق» وجود دارد که متضاد بیت سؤال است.

**۲۵۷. گزینه ۴** در این بیت شاعر حسرت و دریغ سالیان پیش را می‌خورد. گزینه ۱: غم درد عشق/۲: غم فراق/۳: خوشی درد عشق

**۲۵۸. گزینه ۲** هم در متن و هم در بیت گزینه ۴ ذوق وصال وجود دارد.

پاسخنامه درس ۱۱ علوم و فنون ۱

**۲۵۹. گزینه ۱** برای پاسخگویی به سؤالات مصوّت‌ها حتماً از بخش کردن کمک بگیرید. اینگونه زودتر به پاسخ می‌رسید. مثلاً نسیم: دو بخش است پس دو مصوت دارد.

ما در زبان فارسی سه مصوت کوتاه  $\bar{\quad}$  و  $\underline{\quad}$  و  $\dot{\quad}$  مصوت بلند / / او، / ای / داریم. نسیم: ن /  $\bar{\quad}$  / س /  $\underline{\quad}$  / ی /  $\dot{\quad}$  / م:  $\bar{\quad}$  مصوت مستانه:  $\bar{\quad}$  مصوت دارد.

**۲۶۰. گزینه ۳**  $\bar{\quad} + \underline{\quad} + \dot{\quad} + \bar{\quad} + \underline{\quad} + \dot{\quad} + \bar{\quad} + \underline{\quad} + \dot{\quad} + \bar{\quad} + \underline{\quad} + \dot{\quad}$   
ص - م - ص - م - ص - م - ص - م - ص - م - ص - م - ص - م - ص  
ع ( = ) / ت ( = ط ) / ز ( = ذ ، ظ ، ض ) / ص ( = ث ، ص ) / غ ( = ح )  
ع ( = ) / ه ( = ح )

**۲۶۱. گزینه ۲** ع ( = ) / ت ( = ط ) / ز ( = ذ ، ظ ، ض ) / ص ( = ث ، ص ) / غ ( = ح ) / ه ( = ح )

**۲۳۸. گزینه ۲** پس از عاطفه، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل در شعر وزن است.

**۲۳۹. گزینه ۳** عاطفه حالتی روحی - روانی است که شاعر از رویداد حادثه‌ای در خویش احساس می‌کند و می‌کوشد دیگران را با خود در این احساس، همراه سازد.

**۲۴۰. گزینه ۲** منظور از وزن ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود.

**۲۴۱. گزینه ۱**  
سایر گزینه‌ها

گزینه ۲: توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

گزینه ۳: شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از زبان کمک می‌گیرد.

گزینه ۴: کتاب‌های مقدس نیز از کنش و جاذبه آهنگ و کلام موزون، بهره گرفته‌اند.

**۲۴۲. گزینه ۳** در این بیت شاعر با استفاده از واج‌آرایی حروف «خ» و «چ» حس خشونت را به خواننده القا می‌کند.

**۲۴۳. گزینه ۳** لحن

**۲۴۴. گزینه ۳** بیت آهنگی تند و شاد دارد و فضای شورانگیز شعر در اثر زیبایی‌های طبیعت است. خبری از خشونت جنگ و رزم‌آوری و افتخار و شکوه حاصل از پیروزی در آن نیست.

**۲۴۵. گزینه ۱** لحن حماسی، لحنی پرشور، تند و باقدرد است و برای بیان مضامینی از قبیل جنگاوری، افتخار به قومیت و ملیت (وگاهی افتخار به مذهب و دین)، بزم و رزم و درافتادن و کسری خواندن به‌کار می‌رود. آهنگ اشعار این چنینی معمولاً تند است که به لحن پرقدرد کمک می‌کند. در بیت ۱ که بیان رفتن کاروان یادآور مفهوم هجران است، لحنی غمگین و کند و آهسته وجود دارد.

**۲۴۶. گزینه ۳** در همه گزینه‌ها غم حاصل از فراق، لحن شعر عاشقانه را غمگین می‌کند. گزینه ۳ آهنگی آهسته دارد؛ اما لحن آن غمگین نیست؛ بلکه صرفاً لحن احساسی و عاطفی عمیقی برای بیان زیبایی معشوق دارد.

**۲۴۷. گزینه ۴** همه ابیات با لحنی غمگین درباره عشق و معشوق سروده شده‌اند؛ اما در گزینه ۴ با لحنی شاد از زیبایی معشوق سخن رفته است.

**۲۴۸. گزینه ۲** همان‌طور که از مفهوم بیت پیداست، بیت در حال روایت داستان کسی است که شب را نتوانسته بخوابد. گزینه ۱: لحن تعلیمی / گزینه ۳: لحن عاشقانه / گزینه ۴: لحن مدح و ستایش

برای تشخیص لحن اشعار مدحی دقت کنید که در این گونه اشعار، افتخار به ممدوح، ستایش بی‌اندازه او، تعریف و تمجید، تشکر و قدردانی، بالا بردن و برتری دادن به بقیه، دعا برای ممدوح و مضامینی از این دست در شعر می‌آید.

**۲۴۹. گزینه ۳** در این بیت با لحنی حسرت‌بار از اینکه زندگی فانی است سخن می‌گوید و با این لحن پند و اندرز به مخاطب خود می‌دهد. مضامین عرفانی و مسائل مربوط به سیر و سلوک عارفانه و عشق به خدا با لحن عارفانه بیان می‌شود. در لحن عارفانه معمولاً حالتی از شور و سرمستی وجود دارد.

**۲۵۰. گزینه ۳** در گزینه ۱: پند و اندرز نادرست است. در گزینه ۲ شادی و نشاط و در گزینه ۴ نیز پند و اندرز کاملاً نادرست هستند.

گاهی بعضی لحن‌ها ممکن است باهم هم‌پوشانی داشته باشند؛ مانند حماسی و داستانی، عاشقانه و عارفانه، عارفانه و پند و اندرز و داستانی. در اینگونه موارد بهتر است از روش ردّ گزینه استفاده کنید و به یاد داشته باشید که این هم‌پوشانی بیشتر به خاطر تک‌بیت بودن است؛ معمولاً در



۴) واژگان قافیه: رو، او / حرف اصلی: و / قافیه دوم: بیگانه، شیرانه / حرف اصلی: ان

۳۲۹. **گزینه ۲** این گزینه فقط یک قافیه دارد (واژگان قافیه: وا، دریا) پس ذوقافیتین نیست.

**سایر گزینه‌ها:** ۱) واژگان قافیه اصلی: نوشید، غلتید / قافیه دوم: شراب، آب \* ۳) واژگان قافیه اصلی: کشید، ندید / قافیه دوم: زیبا، را \* ۴) واژگان قافیه: بود، رود / قافیه دوم: جویا، آن‌جا

۳۳۰. **گزینه ۲** در این گزینه فقط یک قافیه وجود دارد پس ذوقافیتین نیست. واژگان قافیه: کشته، رشته

**سایر گزینه‌ها:** ۱) واژگان قافیه اصلی: کنند، زند / قافیه دوم: رو، بو \* ۳) واژگان قافیه اصلی: بتافت (در معنای برگرداند)، بتافت (در معنای سوزاند) / قافیه دوم: مادر، آذر \* ۴) واژگان قافیه اصلی: جهان، جاودان / قافیه دوم: فانی، بمانی

۳۳۱. **گزینه ۱** در این بیت «روان» و «جهان» و نیز «کرد» و «درد» واژگان قافیه هستند.

۳۳۲. **گزینه ۳** ردیف: رود / واژگان قافیه اصلی: درد، مرد / قافیه دوم:

زبان، جهان

**سایر گزینه‌ها:** ۱) ردیف ندارد. / واژگان قافیه: بین، یقین / ۲) ردیف: پیدا نیست / واژگان قافیه: کرانه، میانه / ۴) ردیف: توست / واژگان قافیه: رحمت، نعمت

۳۳۳. **گزینه ۱** در این بیت «پرخون» و «بیرون» و نیز «شوی» و «روی» واژگان قافیه هستند.

۳۳۴. **گزینه ۳** در گزینه ۱، قاعده قافیه این گونه است که مصوت با یک صامت قافیه ساخته است. (ت: صامت + صامت)

در گزینه ۲، قاعده قافیه بر این مبنا است که باز هم یک مصوت با صامتی قافیه را تشکیل داده است.

(ار: مصوت + صامت)

قاعده قافیه در گزینه ۴ هم از یک مصوت با دو صامت درست شده است. (ست: مصوت + صامت + صامت)

بنابراین حروف مشترک در این سه گزینه تابع قاعده ۲ قافیه است.

ولی قاعده قافیه در گزینه ۳، قاعده ۱ قافیه است. (قاعده ۱: مصوت / یا / او به تهنایی می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

۳۳۵. **گزینه ۳** در گزینه ۱، کلمات (بدن، سخن و خویشتن) و در گزینه ۲ کلمات (زنده، خنده و پاینده) و در گزینه ۴ کلمات (یار، غار، جگرخوار) قافیه درونی‌اند. در صورتیکه گزینه ۳ یک قافیه بیشتر ندارد. (هویدا و پیدا)

## پاسخنامه درس ۱۳ علوم و فنون ۱۰

۳۳۶. **گزینه ۲** کسان، شهان -U- / تلخ‌کام، سوزناک -U-U- / کوچه، رند -U- / ناله، طفل -U-

۱) مور -U- / جاودان -U- / درد -U- / شد -

۳) روان -U- / شاهراه -U-U- / هستی -U- / غلتید -U-

۴) جهان -U- / نیلگونی -U- / سیم -U- / شیر -U-

۳۳۷. **گزینه ۱** تشریف، تشریح: -U- / زبردست، صمیمانه -U-U- / غمگسار، کوهپایه: -U-U- / قواعد، رعایت: -U-

۲) پروانه -U- / سراینده -U-U- / مشترک -U- / گشایش: -U-

۳) دامن -U- / کشاورز -U-U- / خواب روز -U-U- / غلامی -U-

۴) مبنای -U- / گران‌سنگ -U-U- / صبحگاه -U-U- / کینه -U-

۳۳۸. **گزینه ۱**

ی	کی	تش	ن	می	گف	ت	جان	می	س	پرد
خ	نک	نی	ک	یخ	تی	ک	در	آ	ب	مرد
-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U

تقطیع هجایی سایر گزینه‌ها:

ن	دا	د	عش	ق	گ	ری	بان	ب	دس	ت	کس	ما	را
گ	رف	ت	این	م	ی	پر	زو	ر	چن	ع	سس	ما	را
ن	پش	ت	پا	ی	ب	رن	دی	ش	می	ت	وا	نم	زد
ن	این	د	رخ	ت	غ	مژ	ری	ش	می	ت	وا	نم	زد
ب	آ	ف	تا	ب	ر	سی	دز	ک	نا	ر	گل	شب	نم
ب	وص	ل	دی	د	ی	شب	زن	د	دا	ر	نز	دی	کس
-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	-	-	U

۳۳۹. **گزینه ۲**

کی	ش	کی	با	بی	ت	وان	کر	دن	چ	عق	لز	دس	ت	رفت
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	U

تقطیع هجایی سایر گزینه‌ها:

هر	کس	ز	آ	ز	رو	ی	ن	هف	ت	ب	لا	ر	هید
م	رغی	ن	ها	د	رو	ی	ب	با	غی	ز	خر	م	نی
این	گر	گ	سا	ل	ها	ست	ک	با	گل	ل	آ	ش	ناست
-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	U

۳۴۰. **گزینه ۴**

دو	س	تان	گو	ین	د	سع	دی	خی	م	بر	گل	زا	ر	زن
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	U

تقطیع هجایی سایر گزینه‌ها:

از	م	نی	جان	رو	ی	پن	هان	می	ک	نی			
ای	م	سل	ما	نان	ز	جان	سی	را	م	دم			
یک	ج	هان	بی	کا	ر	با	کا	ری	ک	جاست			
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U

۳۴۱. **گزینه ۳**

ای	خو	ب	تر	ز	خو	بی	نی	کو	ت	رز	ن	کو	بی
بد	خو	چ	را	ش	دس	تی	آ	خر	م	را	ن	گو	بی
نا	مش	ه	می	ن	یا	رم	بر	دن	ب	پی	ش	هر	کس
ای	عا	ش	قا	ن	گی	تی	یا	ری	د	هی	د	یا	ری
-	U	-	U	-	-	-	-	-	U	-	-	-	U

تقطیع سایر گزینه‌ها:

ای	سا	ر	بان	آ	هس	ت	ران	کا	را	م	جا	نم	می	ر	ود
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	U	-

آن	کی	ست	کز	رو	ی	ک	رم	با	ما	و	فا	دا	ری	ک	ند
-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-	-	-	U	-

یک	دم	ب	م	را	عا	ت	د	لم	گر	م	ن	دا	ری		
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

در	س	ر	کا	ر	ث	کر	دم	جا	ن	دل					
-	U	-	U	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	U

## جدول ترتیبی تاریخ ادبیات

نام نویسنده یا شاعر	نام اثر	قرن	نوع اثر	موضوع
۱. دهقانان، فرزاتگان	شاهنامه ابومنصوری	۴	نثر	شرح وقایع پادشاهان از اولین پادشاه تا یزدگرد
۲. جمعی از علمای ماوراءالنهر	ترجمه تفسیر طبری	۴	نثر	تفسیر قرآن به پارسی
۳. محمدبن جریر طبری	تفسیر طبری	۴	نثر	تفسیر قرآن به عربی
۴. ابوعلی بلعمی	تاریخ بلعمی	۴	نثر	تاریخی به زبان فارسی
۵. محمد بن جریر طبری	تاریخ الرسل والملوک	۴	نثر	تاریخی به زبان عربی
۶. ابوریحان بیرونی	التفهیم	۵	نثر	«نجوم، هندسه و حساب» به فارسی
۷. ابوالفضل بیهقی	تاریخ بیهقی	۵	نثر	تاریخ غزنویان
۸. عنصرالمعالی کیکاووس	قاپوس‌نامه	۵	نثر	تعلیمی/ نشان دادن راه و رسم زندگی به فرزندش
۹. خواجه نظام الملک	سیاست‌نامه	۵	نثر	تاریخی/ مربوط به راه و رسم پادشاهی+ داستان‌های تاریخی
۱۰. ناصر خسرو	سفرنامه	۵	نثر	بیان وضع زندگی و اجتماع مردم آن روزگار+ مطالبی در باب سیمای شهرها
۱۱. ابوالحسن جلابی هجویری	کشف المحجوب	۵	نثر	طریقت و اصول تصوف
۱۲. اسدی طوسی	گرشاسب‌نامه	۵	نظم	سرگذشت جد رستم، گرشاسب
۱۳. ابوالفضل رشیدالدین میبیدی	کشف الاسرار	۶	نثر	تفسیر قرآن
۱۴. ابوالعالی نصرالله منشی	کلیده ودمنه	۶	نثر	تمثیل و داستان از زبان حیوانات
۱۵. نظامی عروضی	چهارمقاله	۶	نثر	درباره دبیران، شاعران، منجمان و طبیبان
۱۶. قاضی حمیدالدین بلخی	مقامات حمیدی	۶	نثر	حکایت و داستان
۱۷. محمدبن منور	اسرار التوحید	۶	نثر	احوال و حالات عرفانی جدش ابوسعید ابی‌الخیر

نام نویسنده یا شاعر	نام اثر	قرن	نوع اثر	موضوع
۱۸. مولانا	مثنوی معنوی	۷	نظم (مثنوی)	عرفانی (جدایی انسان از عالم معنا)
	دیوان شمس	۷	نظم (غزل)	عارفانه و عاشقانه
۱۹. سعدی	گلستان	۷	نظم و نثر	حکمت عملی در قالب شعر و داستان و حکایت
	بوستان	۷	نظم (مثنوی)	تعلیمی (اخلاق، تربیت، سیاست ..)
	دیوان	۷	نظم (غزل و قصیده)	عاشقانه و عارفانه و مدحی
۲۰. فخرالدین عراقی	عشاق‌نامه	۷	نظم (مثنوی)	مباحث عرفانی با تمثیل و حکایت
	لمعات	۷	نثر	سیر و سلوک عارفانه
۲۱. نجم دایه	مرصاد العباد	۷	نثر	بیان سلوک دین و تربیت نفس انسان
۲۲. عظاملک جوینی	تاریخ جهانگشا	۷	نثر	شرح ظهور چنگیز و احوال فتوحات او / تاریخ خوارزمشاهیان / فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح
۲۳. خواجه رشیدالدین فضل‌الله	جامع‌التواریخ	۷	نثر	تاریخ پیامبران از آدم تا خاتم / تاریخ ایران و ذکر فرهنگ‌ها، اساطیر و باورهای قبایل مختلف
۲۴. شمس قیس رازی	المعجم فی معاییر اشعار العجم	۷	نثر	در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر
۲۵. خواجه کرمانی	دیوان شعر	۸	نظم (غزل)	عارفانه و عاشقانه
۲۶. ابن‌یمین	اشعار	۸	نظم (قطعه)	اخلاقیات
۲۷. حافظ	دیوان اشعار	۸	نظم (غزل)	عاشقانه و عارفانه

## جدول مقایسه‌ای سبکی

ویژگی ادبی شعر سبک خراسانی	ویژگی ادبی شعر سبک عراقی	ویژگی ادبی شعر سبک هندی
<ul style="list-style-type: none"> <li>سادگی زبان</li> <li>کمی لغات عربی و لغات بیگانه به جز اصطلاحات دینی و علمی</li> <li>تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز. مثلاً: نیک، هزار</li> <li>کهنه و مهجور بودن برخی از لغات در مقایسه با زبان امروز</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کثرت لغات و ترکیبات عربی</li> <li>از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی</li> <li>فراوانی ترکیبات نو</li> <li>حرکت زبان به سوی دشواری و کاسته شدن از روشنی، سادگی و روانی در کلام</li> <li>ورود لغات ترکی و مغولی در شعر و زبان فارسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>راه یافتن زبان کوچه و بازار به شعر</li> <li>گسترش دایره واژگان (ازبین رفتن مختصات زبان قدیم)</li> <li>ورود افکار و لغات مربوط به مذاهب و اداب و رسوم هندوان</li> <li>کم شدن لغات عربی (با سقوط حکومت بغداد)</li> <li>رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی (با حملات تیمور و ازبکان و سخن گفتن صفویان به زبان ترکی)</li> <li>واقع‌گرا بودن زبان (زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده)</li> <li>بی توجهی به زبان</li> <li>بی دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها</li> <li>ورود واژه‌های عامیانه در شعر</li> </ul>

ویژگی ادبی شعر سبک خراسانی	ویژگی ادبی شعر سبک عراقی	ویژگی ادبی شعر سبک هندی
<ul style="list-style-type: none"> <li>قالب عمده شعر این دوره قصیده است</li> <li>استفاده از آرایه‌های طبیعی و قافیه و ردیف بسیار ساده است.</li> <li>در توصیفات بیشتر از تشبیه، آن هم از نوع حسی بهره گرفته شده است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>رواج اکثر قالب‌های شعری مخصوصاً غزل و مثنوی</li> <li>رواج داستان سرایی و منظومه‌های داستانی</li> <li>توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی</li> <li>بکارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر</li> <li>خوش‌آهنگ تر شدن اوزان شعری نسبت به سبک دوره اول</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بی توجهی به آرایه‌های ادبی (به دلیل رواج شعر بین عامه مردم و افراد بی تخصص)</li> <li>آرایه‌های ادبی پرکاربرد: تشبیه، تلمیحات رایج، حسن تعلیل، حس‌آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله</li> <li>قالب شعری: غزل (اما با ابیاتی طولانی حتی ۴۰ بیت همراه بوده)</li> <li>اکثر شاعران تک بیت گو هستند.</li> <li>استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ</li> </ul>

ویژگی فکری شعر سبک خراسانی	ویژگی فکری شعر سبک عراقی	ویژگی فکری شعر سبک هندی
<ul style="list-style-type: none"> <li>روح شادی و نشاط در شعر غلبه دارد.</li> <li>شعر واقع‌گراست و توصیفات طبیعی و ساده دارد.</li> <li>معشوق، زمینی و دست‌یافتنی است.</li> <li>جنبه‌های عقلانی بر جنبه‌های احساسی، غلبه دارد.</li> <li>روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است</li> <li>اشعار پندآموز و اندرزگونه و ساده هستند و جنبه علمی و دستوری دارند.</li> <li>مضمون اشعار این سبک، حماسه، غنا، مرثیه، حکمت، پند و اندرز است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>گسترش عرفان و تصوف</li> <li>فراوانی زهدستایی و وعظ و اندرز در شعر</li> <li>فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی</li> <li>رواج هجو و هزل در شعر</li> <li>رواج حس‌دینی</li> <li>درون‌گرایی در شعر و توجه به احوال شخصی و مسائل روحی</li> <li>رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>شعر معنی‌گراست.</li> <li>شاعران به دنبال مضمون‌سازی هستند (مانند صائب)</li> <li>مضمون و پیام شعر در یک بیت خلاصه می‌شود.</li> <li>شاعران عمدتاً به ترجمه مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان به سبک هندی پرداخته‌اند و مطالب مبهم را خلاصه و قابل فهم‌تر کرده‌اند.</li> <li>شاعران مضمون‌یاب‌اند و به دنبال فکری جزئی که تا آن زمان بیان نشده بود و تازگی داشت، بودند.</li> </ul>